

رسم واره توتماخ

مرتضی ربیعی*

در خرمدره زنجان دامداری در کنار کار کشاورزی از رونق فراوانی برخوردار بوده و فراوانی آب و منابع تغذیه دامی موجب گردیده که نگهداری گاو و گوسفند و سایر احشام جزو شغل کشاورزان محسوب گردد. در گذشته نه چندان دور یعنی حدود ۲۰ سال پیش که اکثر خانواده‌ها بیشتر از ۵ یا ۱۰ رأس گوسفند نداشتند، رسم واره توتماخ بین همسایه‌ها رایج بود، زیرا جمع‌آوری شیر و تهیه ماست و کره و دوغ و پنیر به دلیل کمی شیر مقرون به صرفه نبود، لذا برای رفع این مشکل ۵ الی ۶ همسایه دیوار به دیوار شیرهای دوشیده شده گوسفندان خود را هر روز جمع کرده و به خانه یکی از همسایه‌ها می‌بردند. این عمل هفت روز به طول می‌انجامید. با این حساب ۳۰ یا ۳۶ روز طول می‌کشید تا نوبت واره (vâra) به فرد اول برسد. البته بزرگان و گیس سفیدان محل سفارش مؤکد داشتند که با وضو شیر بدوشند و نظافت و بهداشت را رعایت کنند و عدل و انصاف نیز رعایت شود.

چون در خانه‌ها از یخچال و سردکن خبری نبود، شیرهای حاصله را هر روز فرد موردنظر پس از تحویل گرفتن با صافی توری یا پارچه‌ای به نام سوزکش (suz-kaš) صاف کرده و داخل دیگ بزرگی می‌ریخت. گوشه این پارچه (صافی) منجوق آبی یا سبز رنگی دوخته شده بود که برای رفع زخم‌چشم از گوسفندان و ازدیاد برکت شیر آنها بود.

فردی که اندازه‌گیری در خانه او انجام می‌گرفت برای انجام این امر از روش ابتدایی استفاده می‌کرد؛ بدین ترتیب که چوب‌هایی نازک از درخت بید در اندازه‌های ۲۰ یا ۱۵ سانتی‌متری تهیه می‌کرد و پوست آنها را می‌تراشید و تمیزشان می‌کرد. به این چوب‌ها لکه (lala) می‌گفتند. شیر هرکس را در ظرفش اینگونه اندازه می‌گرفت که ابتدا چوب‌ها را در شیر فرو می‌برد بعد بیرون آورده روی چوبها خاکستر تمیز تنور را می‌پاشید و می‌گذاشت تا خشک شود آنگاه با ظرف خالی و چوبهای مربوطه تحویل صاحبش می‌داد تا برای روز هفتم در خانه‌اش نگه دارد. شیرهای گردآوری شده هر روز را خانم میزبان تبدیل به ماست می‌کرد. یعنی یک قاشق غذاخوری ماست را در چهار کیلو شیر مخلوط می‌کرد، بعد در جایی گرم رویش را با پارچه‌ای می‌کشید و می‌گذاشت تا تبدیل به ماست شود و در روز آخر ماست‌های

* همکار برنامه فرهنگ مردم



جمع شده را داخل مشک یا توْلُوخ (toloux) ریخته و از آن کره و دوغ استحصال می نمود (یک قاشق ماستی که از آن به عنوان مایه استفاده می شد- و در حال حاضر نیز از آن استفاده می شود- به نام داماز لُوخ (dâmâz- loux) معروف است).

و اما در آخرین روز تمام همسایه های شریک یا واره داش (vāra dâš) در خانه موردنظر جمع شده، چوب های خود را تحویل می دادند و شخص میزبان نیز با حل کردن خاکستر چوبها و نشانه گذاری در آب معمولی مشخص می کرد که کدام شخص چقدر شیر کم یا زیاد تحویل داده است. اگر شیر تحویلی کمتر

از بقیه بود بایستی در دوره بعدی آن را تحویل می داد و یا اگر اضافه بود در مرحله بعد کسر می شد.

در هر صورت این کار نوعی تعاون و شراکت بود که البته بدون وجود همسایه ها مشکل تهیه شیر و ماست و دوغ و ... قابل حل نبود. در طول هفته اگر فردی نیاز به شیر یا ماست داشت از فرد مورد نظر یا از همسایه هایی که اضافه داشتند قرض می گرفت. وقتی خانم خانه داری که رسم واره در منزل او اجرا می شد کره و دوغ تهیه می کرد، تعدادی به اندازه مصرف همسایه ها کنار می گذاشت و به خانه آنها می برد. وقتی داخل حیاط می شد با صدای بلند می گفت: آغ گلین گلیر اویزه! (āq galin galir eviza!) یعنی عروس سفیدی به خانه تان می آید. و متقابلاً همسایه نیز ضمن استقبال قدری قند یا نقل داخل ظرف همسایه می ریخت و دعا می کرد و از او تشکر می نمود.

لازم به توضیح است که این نوع اندازه گیری بایستی خیلی دقیق باشد، زیرا اگر ذره ای شیر حرام یا بدون توزین (اندازه گیری) با دیگران مخلوط شود، تمام شیرها حرام می شود و از لحاظ شرعی گناه است. این ضرب المثل اهمیت دقت در عدالت و امانتداری را نشان می دهد:

ننی نه قیز، گشنیچی قابو عؤنده سوت اُلچوبلر!

naney-na qiz gešnji qâboqonda sut ulçublar!

یعنی مادر و دختری در پوست گشنیز شیر را اندازه گیری کرده اند (ناچیز بودن حجم پوست گشنیز به عنوان پیمانانه در اینجا ارزش اندازه گیری و رعایت تمامی موارد شرعی را نشان می دهد).

راویان:

- زهرا احمدی، پریدخت احمدی، ام السلمه احمدخانی.